

بررسی رابطه میزان سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۱۴۹-۱۳۳

سیدحسین علیان‌سب^۱، معصومه وطن‌دوست^۲

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز

^۲ مدرس دانشگاه پیام نور آذربایجان شرقی

چکیده

بوردیو مفهوم سرمایه فرهنگی را برای بیان یک مسئله تجربی ویژه یعنی این واقعیت که «تنها موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری موجود در موفقیت‌های آموزشی دانش‌آموزان دارای طبقات اجتماعی گوناگون کافی نیست به کار برد. «سرمایه فرهنگی نقش‌های متعددی در کسب مشروعیت بقیه سرمایه‌ها به خصوص شکل‌دهی به هویت‌های فردی و جمعی دارد و فقدان آن ممکن است موجب اختلال در هویت جمعی شود. از سوی دیگر با تحولات فرهنگی جهانی در تعامل با تحولات اجتماعی ایران، جامعه درگیر جریان‌های فرهنگی مختلفی می‌گردد که ممکن است نسبت‌های متباینی با سنت فرهنگی ایران داشته باشند. با توجه به مواجهه بیشتر جوانان و نقش آتی دانشجویان در تصدی امور کشور، بررسی گرایش‌های فرهنگی آنان برای اتخاذ سیاست‌های فرهنگی دقیق و معطوف به مسئله ضروری به نظر می‌رسد. بدین منظور پژوهش حاضر رابطه هویت اجتماعی و سرمایه فرهنگی و عوامل مرتبط با آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. چهارچوب نظری تحقیق بر پایه دیدگاه بوردیو درباره سرمایه فرهنگی قرار دارد. روش پژوهش از نوع پیمایشی بوده و برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی در سال تحصیلی (۹۴-۹۵) و حجم نمونه ۳۸۴ نفر است که همزمان با دو شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی متناسب انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رابطه بین هویت اجتماعی و سرمایه فرهنگی در دانشجویان معنادار می‌باشد».

کلید واژه‌ها: دانشجویان، سرمایه فرهنگی، هویت اجتماعی.

— مقدمه

مفهوم سرمایه تنها برای سرمایه انسانی و سرمایه طبیعی باز تولید شده به کار می‌رفت، اما از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد توسط پی‌یر بوردیو^۱ به حوزه فرهنگ و هنر نیز راه یافت و مفهوم سرمایه فرهنگی به‌وجود آمد (تراسی ترجمه فرهادی؛ ۱۳۸۲: ۱۸). دریافت پی‌یر بوردیو از سرمایه، وسیع تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد بود، وی مفهوم سرمایه فرهنگی را برای بیان یک مسئله تجربی ویژه یعنی این واقعیت که «تنها موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری موجود در موفقیت‌های آموزشی دانش‌آموزان دارای طبقات اجتماعی گوناگون کافی نیست» به‌کار بر د(بوردیو ترجمه خاکباز و پویان؛ ۱۳۸۴: ۱۳۷). بوردیو معتقد است اقتصادگرایان بر مبنای سرمایه‌گذاری و سود مالی به بررسی سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های آموزشی می‌پردازند و قادر نیستند نسبت‌های متفاوت مناسبی را که عوامل و طبقات مختلف اجتماعی به سرمایه‌گذاری اقتصادی و فرهنگی اختصاص می‌دهند توضیح دهند و مطالعات آن‌ها در خصوص ارتباط بین توانایی تحصیلی و سرمایه‌گذاری تحصیلی نشان می‌دهد که آن‌ها نمی‌دانند توانایی یا استعداد، خود محصول صرف زمان و سرمایه فرهنگی است و تنها می‌توانند سودآوری هزینه‌های تحصیلی را در قالب «نرخ بازدهی اجتماعی» و یا تاثیر آن بر تولید ملی برای جامعه به‌عنوان یک کل محاسبه کنند. از نظر بوردیو چنین تعریف کارکردگرایی از ساختار آموزشی نقش این حقیقت را که بازده فعالیت آموزشی وابسته به سرمایه فرهنگی است که از سوی خانواده به فرد منتقل شده نادیده می‌گیرد (همان؛ ۱۳۹۰). بنابراین سرمایه فرهنگی شامل گرایش‌ها و عادت‌های پابرجا و تثبیت شده در طول فرایند جامعه‌پذیری و نیز صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی است (نوغانی؛ ۱۳۸۱) و قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد را نیز شامل می‌شود (روح‌الامینی؛ ۱۳۷۹). سرمایه فرهنگی به سه شکل می‌تواند وجود داشته باشد؛ سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته^۲ که به صورت تمایلات ذهنی و بدنی افراد است، که به مرور زمان در اثر تربیت و پرورش در وجود افراد درونی می‌شود و به جزء جدانشدنی وجود شخص یا خصلت^۳ او تبدیل می‌شود (بوردیو؛ ۱۳۸۴: ۱۴۳) و نمی‌توان آن را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل نمود (شارع‌پور و خوش-فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷)، سرمایه فرهنگی نهادینه شده^۴ که در قالب مدارک تحصیلی عینیت می‌یابد و سرمایه فرهنگی عینیت یافته^۵ که در قالب اشیاء مادی نظیر نوشته‌ها، نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، ابزارها و غیره تجلی می‌کند و از بعد مادی هم‌چون سرمایه اقتصادی قابل انتقال است، اما در واقع فقط مالکیت قانونی آن منتقل می‌شود نه دانش و بینش لازم برای درک و استفاده از آن که نوعی سرمایه فرهنگی درونی شده است (بوردیو؛ ۱۳۸۴: ۱۴۳). سرمایه فرهنگی کارکردهای مختلفی دارد: اولاً کسب مشروعیت از طریق بقیه سرمایه‌ها، منوط به تبدیل شدن آن‌ها به سرمایه فرهنگی است؛ کسی که سرمایه فرهنگی دارد دارای منزلتی است که می‌تواند روایت خود را از دنیای اجتماعی بر دیگران تحمیل کند (فاضلی؛ ۱۳۸۲: ۳۸)، ثانیاً فرد دارای سرمایه اجتماعی می‌تواند خود را از الزامات زندگی اجتماعی جدا کند و نوعی گزینش دلخواه را در عرصه فرهنگ انجام دهد (قادری؛ ۱۳۹۳: ۸)، ثالثاً سرمایه فرهنگی به هویت افراد شکل می‌دهد؛ بدین ترتیب که سرمایه فرهنگی موجب می‌شود افراد به‌گونه مناسب‌تری خود و محیط اجتماعی را شناخته و به آن پایبند باشند، همچنین در افزایش آگاهی از آئین‌ها، باورها، دانش‌ها و هنرها موثر بوده و موجبات شناسایی عوامل پیوند جامعه را فراهم می‌آورد و نحوه شکل‌گیری هویت جمعی را بیان می‌کند، رابعاً میزان بهره‌مندی از این سرمایه نوع رفتار جامعه را مشخص می‌کند و وجود آن نشانگر توسعه جامعه است و در مقابل فقدان سرمایه فرهنگی و عدم تعادل در توزیع سرمایه فرهنگی موجب ایستایی جامعه و ایجاد اختلال در هویت جمعی می‌شود (فخرایی و کریمیان؛ ۱۳۸۸: ۱۳۱). تأثیرپذیری هویت جمعی از سرمایه فرهنگی را می‌توان از اساسی‌ترین کارکردهای سرمایه فرهنگی تلقی کرد که مورد توجه برخی پژوهشگران نیز قرار گرفته است؛ پیر اسکاندیز (۲۰۰۴) در پژوهشی نشان داد که مصرف کالاهای فرهنگی به یک نوع هویت برای افراد منجر می‌شود که در نوع خودش جدید است و آمار جرم و جنایت را پایین می‌آورد و به عنوان شکلی از بازی اجتماعی بر قواعدی مبتنی است که بودن با دیگران را مشخص می‌کند،

¹ Bourdieu Pierre

² Social rate of return

³ Embodied cultural capital

⁴ Habitués

⁵ Institutionalized Cultural Capital

⁶ Objectified Cultural Capital

همچنین وی مدعی شد هویت‌هایی مانند قومیت، جنسیت و خانواده از طریق مصرف کالاهای فرهنگی دوباره از نو شکل می‌گیرد و بازسازی می‌شوند، و به‌ویژه از طریق تجربه‌های خاصی که در این فضا ایجاد می‌شوند، هویت‌های جدیدی سر بر می‌آورند (فخرایی و کریمیان، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

ارتباط سرمایه فرهنگی با هویت جمعی زمانی از اهمیت بیشتر برخوردار می‌شود که توجه داشته باشیم انسان‌ها موجوداتی اجتماعی‌اند و زندگی اجتماعی، بدون وجود راهی برای دانستن اینکه دیگران کیستند و بدون نوعی درک از اینکه خود ما کیستیم غیر قابل تصور است و بدون وجود چارچوبی برای مشخص ساختن هویت اجتماعی و هویت‌های فردی، هیچ کس نمی‌تواند با دیگری نسبت معنی‌دار یا سازگاری برقرار کند و در واقع بدون هویت اجتماعی جامعه‌ای در کار نخواهد بود (جنکینز ترجمه یاراحمدی، ۱۳۸۱: ۷). به عبارت دیگر هویت اجتماعی، نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کند بلکه به زندگی افراد هم معنا می‌بخشد. هویت نه فقط فرآیندی برای خودشناسی کنشگران اجتماعی است بلکه معنی‌سازی نیز به واسطه‌ی آن صورت می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۸۶).

علیرغم اهمیت زیاد سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی و کارکردهای موثری که دارند به نظر می‌رسد تغییر و تحولاتی که در چند دهه اخیر در ذائقه و منش انسان امروزی در عرصه فرهنگی به وجود آمده، سبب ورود خیل زیاد کالاهای فرهنگی از قبیل کتاب، فیلم، موسیقی، مطبوعات و غیره در تیراژها و عنوان‌های مختلف، در بازارهای مصرفی شده است و به قشرهای مختلف هویت جدید می‌بخشند. از طرفی تحولات فرهنگی جهانی در تعامل با تحولات اجتماعی ایران، موجب پیدایش مجموعه‌ای از ارزش‌های جدید از جمله اهمیت پیدا کردن تحصیلات، فعالیت‌های هنری، اوقات فراغت و ... شده است و جامعه درگیر جریان‌های فرهنگی مختلفی شده است که بعضاً نسبت‌های متباینی با سنت فرهنگی آن می‌یابند. این تحولات بیش از هر گروه سنی در میان جوانان اتفاق می‌افتند و در میان جوانان نیز دانشجویان به جهت مواجهه بیشتر با فرهنگ‌های دیگر و همچنین نقشی که در تصدی امور کشور خواهند داشت حائز اهمیت خاصی هستند. از این‌رو دستیابی به شناخت دقیق و علمی از گرایش‌های فرهنگی و هویت جمعی دانشجویان ضرورتی اساسی برای هر گونه سیاست‌گذاری فرهنگی است و می‌تواند میزان موفقیت در تداوم فرهنگی جامعه و یا مخاطراتی را که جامعه به لحاظ بازآفرینی فرهنگی با آن روبروست آشکار ساخته و به اتخاذ سیاست‌های فرهنگی دقیق‌تر و معطوف به مسئله یاری رساند. پژوهش حاضر به منظور پاسخ به این سوال که آیا بین هویت اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد؟ در صدد است میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف را بررسی نموده و همچنین رابطه آن را با متغیرهایی چون جنسیت و تاهل مشخص نماید.

– مبانی نظری تحقیق

با توجه به سوال اصلی پژوهش (آیا بین هویت اجتماعی و سرمایه فرهنگی دانشجویان استان آذربایجان شرقی رابطه وجود دارد؟) سعی می‌شود با استفاده از نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری موجود و مرتبط با موضوع، مبانی و چارچوب نظری پژوهش تدوین شود. به همین منظور؛ کوشش خواهد شد تا ابتدا پیشینه تجربی پژوهش و سپس مبانی نظری پژوهش ارائه گردد:

پیشینه تجربی

– بوردیو در کتاب «بازتولید فرهنگی و بازتولید اجتماعی» به بحث راجع به این می‌پردازد که والدین طبقات بالا و متوسط، سرمایه فرهنگی را در شکل‌های مختلف زبان و توانمندی‌های فرهنگی به فرزندان خود می‌بخشند و موفقیت تحصیلی در مدرسه مستلزم بهره‌مندی از این قابلیت‌های فرهنگی است، که فرزندان طبقات پایین آن را نیاموخته‌اند. بوردیو معتقد است که افراد تحت‌تاثیر خاستگاه اجتماعی خود، با دانش فرهنگی مختلف و با برخورداری از سرمایه فرهنگی مختلف وارد نظام آموزشی می‌شوند. نظام آموزشی نه تنها به برابری این تفاوت‌های اولیه در زمینه سرمایه نمی‌پردازد، بلکه حتی آن‌ها را تشدید می‌کند. لذا دانش‌آموزانی که از سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردارند بهتر قادرند قواعد موفقیت در مدرسه را فراگیرند و در نتیجه موفقیت تحصیلی بیشتری دارند (شارع پور، ۱۳۸۷: ۸۸).

- رابنسون کارن^۱ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «استفاده نوجوانان از زمان به عنوان سرمایه‌گذاری در سرمایه فرهنگی» با تمرکز بر مشکل تعریف و اندازه‌گیری سرمایه فرهنگی به‌طور خلاصه به بررسی ادبیات قبلی در این زمینه و به صورت گسترده‌تر به بررسی عوامل تاثیرگذار بر سرمایه فرهنگی می‌پردازد. وی معتقد است تعریف بورديو درباره سرمایه فرهنگی به لحاظ نظری به اشکال دیگر تبدیل شده است و باید توجه بیشتری به ارتباط سرمایه فرهنگی با سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی داده شود. نتایج به‌دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وجود دارد که بر اوقات فراغت جوانان تاثیر می‌گذارد.

- لاریو و وینینگر^۲ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه فرهنگی در تحقیقات آموزشی» درصدد ارزیابی میزان مفهوم سرمایه فرهنگی وارد شده به زبان انگلیسی، با تمرکز بر تحقیقات آموزشی هستند. آن‌ها به این سوال پاسخ می‌دهند که پس از طرح نظریه سرمایه فرهنگی توسط جامعه-شناس فرانسوی پیر بورديو، این مفهوم چگونه به زبان انگلیسی وارد شد؟ آن‌ها معتقدند تفسیر غالب از سرمایه فرهنگی با دو گزاره اساسی درهم آمیخته است؛ اول، سرمایه فرهنگی در معنای دانش یا امکانات و فرهنگ زیبایی‌شناختی متعالی^۳ دوم، سرمایه فرهنگی به صورت تحلیلی و علی متمایز از دیگر اشکال دانش یا صلاحیت (آنچه که در اصطلاح مهارت‌های فنی، سرمایه انسانی و غیره نامیده می‌شود). آن‌ها همچنین برای نشان دادن این که هیچ‌یک از این گزاره‌ها برای رسیدن به فهم بورديو از سرمایه فرهنگی لازم نیست به مرور نوشته‌ها و پژوهش‌های آموزشی گوناگون مثل کارهای دیماجیو (۱۹۸۲)، دیماجیو و مهر (۱۹۸۵)، رابینسون و گارنیر (۱۹۸۵)، دی‌گرف (۱۹۸۶) و بسیاری دیگر پرداخته و بیان داشتند که بیشتر این تحقیقات به مفهوم سرمایه فرهنگی مورد نظر بورديو وفادار نبوده‌اند بلکه از کارهای دیماجیو متأثر بوده و تعاریف و شاخص‌های او را گسترش داده‌اند.

کالمی‌جن و کرای کمپ^۴ (۱۹۹۶) در پژوهش خود با عنوان «نژاد، سرمایه فرهنگی و تحصیل: تحلیلی از روندها در ایالات متحده آمریکا» با استفاده از خصوصیات خانوادگی به این نتیجه رسیدند که مشارکت در فرهنگ رایج اروپایی - آمریکایی رشد قابل توجهی نموده است و این مشارکت در بین سیاهان سریع‌تر از سفیدها رخ داده و متعاقب آن بر تفاوت تحصیلات والدین که پایه مسلم تعامل نژادی در حوزه فرهنگی بوده تاکید شده است. در مجموع این پژوهش به این نتیجه دست یافت که نمایش سرمایه فرهنگی بیشتر، در تمام گروه‌ها در دو نژاد، به سطوح بالای تحصیل و بعد از آن، به دیگر ویژگی‌هایی که در گزارش آمده وابسته است. این یافته نظریه بورديو (۱۹۷۳) درباره بازتولید فرهنگی را تایید می‌کند و آن را با یک گروه اقلیت مهم در جامعه آمریکا توسعه می‌دهد. این پژوهش در مجموع با نشان دادن این که سرمایه فرهنگی بخشی از هم‌گرایی سیاهان و سفیدان را در مدرسه توضیح می‌دهد نشان داد که سرمایه فرهنگی ممکن است به عنوان مسیری برای تحرک صعودی برای گروه‌های فاقد امتیاز هم به کار برود.

- آفشانبرگ و ماس^۵ (۱۹۹۷) در پژوهش خود با عنوان «دوره‌های آموزشی و فرهنگی: پویایی‌های باز تولید اجتماعی» با استفاده از پیمایش‌های مشارکت عمومی در هنرها که در سال‌های ۱۹۸۲، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۲ انجام شده بود به تحلیل رابطه بین دوره‌های فرهنگی و آموزشی می‌پردازند. آن‌ها با در نظر گرفتن بازتولید فرهنگی بورديو و پویایی فرهنگی دیماجیو دو گونه فرضیه را در موضوع اهمیت سرمایه فرهنگی "متعالی" در احتمال شکل‌گیری تحولات آموزشی خاص در دوره‌های گوناگون طرح‌ریزی نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از نقش پررنگ سرمایه فرهنگی در تعیین موفقیت‌های مدرسه بود. اثرات سرمایه فرهنگی والدین و مشارکت فرهنگی آنان قبل از ۱۲ سالگی و مشارکت فرهنگی بین سال‌های ۱۲ تا ۱۷ و ۱۸ تا ۲۴ سالگی تا حد زیادی مستقل است و دارای تاثیرات پایدار در طول دوره آموزشی است. بر همین اساس یافته‌های این پژوهش بیشتر از مدل پویایی فرهنگی دیماجیو حمایت می‌کند، گرچه باز تولید اجتماعی هنوز بیشترین تاثیر را در تحول آموزشی دارد.

¹ Robson Karen

² Lareau Annette , Elliot B. Weininger

³ Highbrow

⁴ Kalmijn Matthijs; Gerbert Kraaykamp

⁵ Aschaffenburg, Karen; Ineke, Maas

⁶ High brow

- موسی‌زاده علی (۱۳۸۸) پایان نامه خود را با عنوان «سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی» با راهنمایی حسن چاوشیان، به نگارش درآورده است؛ در این پژوهش وی در صدد پاسخ به این سوال است که آیا می‌توان خطوط تمایز و تشابه اجتماعی را براساس تمایزات ساختاری تبیین کرد یا این‌که سرمایه فرهنگی مبنای مناسب در تمایزبخشی و ترسیم خطوط منزلتی است. برای پاسخگویی به پرسش فوق، مولفه پایگاه اقتصادی و اجتماعی به عنوان منابع ساختاری هویت اجتماعی و مولفه‌هایی چون هنجارهای مصرف، ذوق و سلیقه هنری، مدیریت بدن و اوقات فراغت به عنوان منابع سبک زندگی، شاخص فرهنگی بر روی نمونه ۲۰۰ نفری از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه گیلان به روش مصاحبه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق بیانگر این هستند که تمایزات اجتماعی و خطوط منزلتی مصاحبه شوندگان این تحقیق بر اساس متغیرهای ساختاری (پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سرمایه اقتصادی) قابل تبیین نیستند و تا حد زیادی با مفهوم سرمایه فرهنگی (تحصیلات والدین) تبیین می‌شوند. و در نهایت وی نتیجه گرفته است که در طی فرایند مدرن شدن، هویت اجتماعی و شخصی به سمت گسستن از شالوده‌های ساختاری می‌روند.

- فخرایی، سیروس و کریمیان، انور (۱۳۸۸) مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با هویت‌پذیری در بین دانش‌آموزان شهرستان بوکان» انجام داده‌اند. هدف از انجام این تحقیق سنجش تجربی مفاهیم سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی، رابطه ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی با نحوه تعریف افراد از خویشستن می‌باشد و همبستگی سرمایه فرهنگی را با هویت‌های مختلف اجتماعی بررسی می‌کند. وجه دیگر این تحقیق سنجش هویت اجتماعی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی است که شامل هویت‌های قومی، ملی، دینی و جهانی می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهد که همبستگی معنادار و مثبت بین سرمایه فرهنگی و هویت ملی، قومی و دینی وجود دارد. لیکن همبستگی معناداری بین سرمایه فرهنگی و هویت جهانی وجود ندارد. همچنین نوع همبستگی ابعاد عینی، ذهنی و نهادی سرمایه فرهنگی با انواع هویت اجتماعی متفاوت است بدین معنا که بین بعد عینی سرمایه فرهنگی و هویت‌های قومی، ملی و دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد، درحالی‌که بین بعد عینی سرمایه فرهنگی و هویت جهانی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. و نیز بین بعد نهادی سرمایه فرهنگی و هویت‌های قومی، ملی، دینی و جهانی هیچ گونه رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

- شارع‌پور، محمود و خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۱) تحقیقی با عنوان «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان شهر تهران» انجام داده‌اند. جامعه آماری این تحقیق را کلیه جوانان ساکن شهر تهران با دامنه سنی (۲۴-۱۵) سال تشکیل می‌دهند. تعداد نمونه‌های تحقیق ۳۴۷ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده است و پژوهشگر با سنجش مفاهیم تجربی سرمایه فرهنگی رابطه ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی را با نحوه تعریف افراد از خویشستن بررسی کرده است. نتایج تحقیق حاکی است که بین سرمایه فرهنگی و برجستگی هویت فردی و هویت خانوادگی و هویت ملی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد که البته در این میان رابطه اصلی به هویت ملی تعلق دارد. همچنین نتایج نشان داد که سرمایه فرهنگی نهادی شده بیشترین رابطه را با هویت فردی دارد؛ یعنی هرچه سطح مدارک و مدارج علمی و فرهنگی فرد بالاتر می‌رود برجستگی هویت فردی نیز بیشتر می‌شود. ولی در مقابل بعد عینی و ذهنی سرمایه فرهنگی بیشترین رابطه را با هویت ملی دارد.

مبنای نظری پژوهش

مفهوم «سرمایه فرهنگی» برای نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۶۰ و توسط بوردیو به کار برده شد. قبل از این زمان مفهوم سرمایه تنها برای سرمایه انسانی و سرمایه طبیعی بازتولید شده به کار می‌رفت اما بعدها مفهوم سرمایه به حوزه فرهنگ و هنر نیز راه یافت و مفهوم سرمایه فرهنگی به وجود آمد (تراسی؛ ۱۸:۱۳۸۲). اندیشمندان علوم اجتماعی که در زمینه سرمایه فرهنگی اظهار نظر کرده‌اند تحلیل‌های قابل توجهی از این مفهوم ارائه داده اند که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

- دیوید تراسی^۱

به اعتقاد تراسی یکی از ابزار پرکردن شکاف میان علم اقتصاد و فرهنگ، مطرح نمودن رهیافتی برای بازنمایی پدیده‌های فرهنگی است به گونه ای که ویژگی‌های ذاتی این پدیده‌ها را طوری در برگیرد که هم در گفتمان اقتصادی قابل درک باشد هم در گفتمان گسترده‌تر فرهنگی، وی

¹ David Throby

معتقد است که چنین ابزاری به وسیله مفهوم سرمایه فرهنگی فراهم می‌شود (تراسبی؛ ۱۳۸۲: ۶۷). تراسبی سرمایه فرهنگی را بر سرمایه معمولی ترجیح می‌دهد بدین دلیل که سرمایه فرهنگی هم ارزش فرهنگی می‌آفریند و هم ارزش اقتصادی، اما سرمایه معمولی تنها ارزش اقتصادی می‌آفریند. وی معتقد است که سرمایه فرهنگی به دو شکل ذیل ایجاد می‌شود؛

- سرمایه فرهنگی ملموس: این نوع از سرمایه فرهنگی واجد همان ویژگی‌های ظاهری سرمایه مادی یا انسانی باشد؛ همانند سرمایه فیزیکی با فعالیت انسانی به وجود می‌آید، در دوره‌ای از زمان می‌پاید، اگر دوام نیابد از بین می‌رود، به مرور زمان موجب جریانی از خدمات می‌شود، به واسطه سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد، قابلیت خرید و فروش دارد، دارای ارزش مالی قابل اندازه‌گیری است و ارزش فرهنگی آن هم یا به صورت موجودی و یا با استفاده از شاخص‌ها یا ضابطه‌های ارزش فرهنگی تعیین می‌شود. تظاهرات مادی سرمایه فرهنگی ملموس بناها، محل‌ها، مکان‌ها، مناطق، آثار هنری مثل نقاشی‌ها و مجسمه‌ها، مصنوعات و نظایر آن می‌باشد (همان: ۷۱).

- سرمایه فرهنگی ناملموس: این نوع از سرمایه فرهنگی ماهیت معنوی دارد و به شکل ایده‌ها، اعمال، عقاید، ارزش‌های مشترک، آثار هنری از قبیل موسیقی و ادبیات و ادعاهای شهرهای گوناگون درباره برتری در جایگاه فرهنگی جلوه می‌کند. موجودی سرمایه فرهنگی ناملموس می‌تواند بر اثر بی توجهی از بین برود یا از طریق سرمایه‌گذاری جدید افزایش یابد (همان).

- پی‌یر بوردیو^۱

دریافت بوردیو از سرمایه، وسیع تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است. در واقع، سرمایه منبعی عام است که می‌تواند شکل پولی و غیرپولی و همچنین ملموس و غیرملموس به خود گیرد به تعبیر بوردیو اگر درصدد فهم جهان اجتماعی هستیم باید ایده سرمایه، انباشت آن و تأثیرات آن را مجدداً به جهان اجتماعی معرفی کنیم (شارع‌پور و خوش‌فر) جامعه‌پذیری و نیز صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی است بوردیو مفهوم سرمایه فرهنگی را برای بیان یک مسئله تجربی ویژه یعنی این واقعیت که «تنها موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری موجود در موفقیت‌های آموزشی دانش‌آموزان دارای طبقات اجتماعی گوناگون کافی نیست» به کار برده است. بوردیو در انجام این مهم با بسیاری از تعاریف سنتی جامعه‌شناختی که به فرهنگ به مثابه ذخیره ارزش‌ها و هنجارهای مشترک یا به عنوان ابزاری برای ابراز تمایلات مشترک می‌نگریستند مخالفت کرد و مدعی شد که فرهنگ دارای بسیاری از ویژگی‌هایی است که از ویژگی‌های سرمایه اقتصادی به شمار می‌روند. به گفته بوردیو مفهوم سرمایه فرهنگی در ابتدا فقط فرضیه‌ای نظری بوده است که با ربط دادن موفقیت تحصیلی به توزیع سرمایه فرهنگی میان طبقات و لایه‌های طبقاتی، موفقیت تحصیلی نابرابر دانش‌آموزان متعلق به طبقات اجتماعی متفاوت را توضیح می‌داد. این نقطه شروع، از طرفی گسست از برخی پیش‌فرض‌های به زعم بوردیو عامیانه بود که موفقیت یا شکست آکادمیک را نتیجه استعداد طبیعی می‌دانست و از طرف دیگر گسست از نظریه‌های سرمایه انسانی بود؛ در واقع بوردیو ضمن ستایش از نظریه‌های سرمایه انسانی به دلیل طرح صریح رابطه میان نرخ‌های سود سرمایه‌گذاری تحصیلی و سرمایه‌گذاری اقتصادی، آنان را ناتوان از توضیح نظام مند ساختار بخت‌های متفاوت کسب سود در بازارهای گوناگون توسط عاملان یا طبقات با توجه به کارکرد حجم و ترکیب دارایی‌شان می‌داند. به نظر بوردیو تعریف سرمایه از همان آغاز به رغم دلالت‌های ضد اومانستی‌اش، از اقتصادگرایی فراتر نمی‌رود و از این نکته غافل می‌شود که موفقیت تحصیلی به سرمایه فرهنگی وابسته است که خانواده پیش از این سرمایه‌گذاری کرده است (بوردیو؛ ۱۳۸۴: ۱۳۷).

بوردیو معتقد است اقتصادگرایان بر مبنای سرمایه‌گذاری و سود مالی به بررسی سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های آموزشی می‌پردازند و قادر نیستند نسبت‌های متفاوت مناسبی را که عوامل و طبقات مختلف اجتماعی به سرمایه‌گذاری اقتصادی و فرهنگی اختصاص می‌دهند توضیح دهند و مطالعات آن‌ها در خصوص ارتباط بین توانایی تحصیلی و سرمایه‌گذاری تحصیلی نشان می‌دهد که آن‌ها نمی‌دانند توانایی یا استعداد، خود محصول صرف زمان و سرمایه فرهنگی است و تنها می‌توانند سودآوری هزینه‌های تحصیلی را در قالب «نرخ بازدهی اجتماعی» و یا تاثیر

^۱ Bourdieu Pierre

² Social rate of return

آن بر تولید ملی برای جامعه به عنوان یک کل محاسبه کنند. از نظر بوردیو چنین تعریف کارکردگرایانه از ساختار آموزشی نقشی این حقیقت را که بازده فعالیت آموزشی وابسته به سرمایه فرهنگی است که از سوی خانواده به فرد منتقل شده نادیده می گیرد (همان: ۱۳۹).

بوردیو معتقد است که سرمایه فرهنگی به سه شکل تجسم یافته، نهادهینه شده و عینیت یافته می تواند وجود داشته باشد؛

- سرمایه فرهنگی تجسم یافته: این نوع از سرمایه فرهنگی به صورت تمایلات ذهنی و بدنی افراد است، که به مرور زمان در اثر تربیت و پرورش در وجود افراد درونی می شود. به عبارت دیگر سرمایه فرهنگی تجسم یافته، ارزشی است بیرونی که تبدیل به جزء جدانشدنی وجود شخص یا خصلت او می شود و برخلاف سایر اشکال سرمایه نمی توان آن را از شخص جدا کرد و فوراً به شخص دیگری منتقل نمود. به تعبیر بوردیو این سرمایه جزء کالبد مشخص شده است و درونی شدن دلالت بر آن دارد که فرد خود با صرف زمان و تمرین آن را در کالبد خود جای داده است (بوردیو؛ ۱۳۸۴: ۱۴۳). بوردیو معتقد است این بعد از سرمایه فرهنگی با تولد همراه بوده و نمی توان آن را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل نمود (شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

- سرمایه فرهنگی نهادهینه شده: سرمایه فرهنگی نهادهینه شده نوعی سرمایه فرهنگی عینیت یافته در قالب مدارک تحصیلی است و برای خنثی کردن یکسانی حد و مرزهای سرمایه فرهنگی درونی شده و شخص حامل آن به کار می رود. این عینیت یابی از یک سو سبب تمایز بین سرمایه فرهنگی خود آموخته می شود که هر لحظه ممکن است زیر سوال رود، از سوی دیگر از سرمایه فرهنگی اشراف متمایز می شود که سود آن به خوبی مشخص نیست، و همچنین با سرمایه فرهنگی کسب شده از طریق طی مراحل آموزشی که دارای اعتبار و ضمانت قانونی است فاصله دارد (بوردیو؛ ۱۳۸۴: ۱۴۳).

- سرمایه فرهنگی عینیت یافته: سرمایه فرهنگی عینیت یافته در قالب اشیاء مادی و رسانه هایی نظیر نوشته ها، نقاشی ها، مجسمه ها، ابزارها و غیره عینیت یافته و از بعد مادی هم چون سرمایه اقتصادی قابل انتقال است. با این حال صرفاً یک شی مادی نظیر اتومبیل یا مسکن نیست بدین دلیل که پیوند تنگاتنگی با سرمایه فرهنگی درونی شده دارد و در واقع آن چه قابلیت انتقال دارد مالکیت قانونی آن است نه دانش و بینش لازم برای درک و استفاده از آن که نوعی سرمایه فرهنگی درونی شده است (همان). در تحقیق حاضر، سرمایه فرهنگی به عنوان متغیری مورد توجه قرار می گیرد که با سنجش حالت های سه گانه آن (تجسم یافته، عینیت یافته و نهادهینه شده) سعی می شود که به صورت یک شاخص ترکیبی در بیاید. این شاخص ترکیبی شامل تمایلات و گرایشات روانی افراد نسبت به مصرف و استفاده از کالاهای فرهنگی، میزان مصرف مستقیم کالاهای فرهنگی به طور عینی و مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی افراد است.

هویت اجتماعی و سرمایه فرهنگی

تئوری هویت بیشتر ریشه در کارهای نظریه پردازان کنش متقابل نمادین دارد. بر اساس این تئوری فرد یک تجمع سازمان یافته ای از هویت ها است که هریک از آن ها برای شکل دادن به رفتارها در تعامل اجتماعی خدمت می کنند. در این تئوری هویت به عنوان مجموعه معانی مشترک اجتماعی تلقی می شود که اشخاص به خودشان در یک نقش اجتماعی نسبت می دهند (ارشد خرگردی، ۱۳۸۱: ۲۴). براساس نظریه های کلان آن چه هویت افراد را شکل می دهد فرد و کنش او نیست، بلکه ارزش ها و هنجارهای اجتماعی است که مهم ترین مقوله آن جامعه پذیری می باشد. رابطه هویت اجتماعی با سرمایه فرهنگی بدین دلیل است که سرمایه فرهنگی موجب می شود افراد به گونه مناسب تری خود و محیط اجتماعی را شناخته و به آن پایبند باشند همچنین در افزایش آگاهی از آئین ها، باورها، دانش ها و هنرها موثر بوده و موجبات شناسایی عوامل پیوند جامعه را فراهم می آورد و نحوه شکل گیری هویت جمعی را بیان می کند علاوه بر آن میزان بهره مندی از این سرمایه نوع رفتار جامعه را مشخص و وجود آن نشان از توسعه جامعه دارد. در مقابل فقدان سرمایه فرهنگی و عدم تعادل در توزیع سرمایه فرهنگی موجب ایستایی جامعه

1 Embodied cultural capital

2 Habitués

3 Embodiment

4 Institutionalized Cultural Capital

5 Objectified Cultural Capital

و ایجاد اختلال در هویت جمعی می‌شود. نتایج پژوهش پیر اسکاندیز در سال (۲۰۰۴) نیز نشان داد که مصرف کالاهای فرهنگی به یک نوع هویت برای افراد منجر می‌شود که در نوع خودش جدید است و آمار جرم و جنایت را پایین می‌آورد و به عنوان شکلی از بازی اجتماعی بر قواعدی مبتنی است که بودن با دیگران را مشخص می‌کند، همچنین وی مدعی شد هویت‌هایی مانند قومیت، جنسیت و خانواده از طریق مصرف کالاهای فرهنگی دوباره از نو شکل می‌گیرد و بازسازی می‌شوند، و به‌ویژه از طریق تجربه‌های خاصی که در این فضا ایجاد می‌شوند، هویت‌های جدیدی سر بر می‌آورند (فخرایی و کریمیان؛ ۱۳۸۸: ۱۳۱). در تحقیقی توسط پیر اسکاندیز مصرف کالاهای فرهنگی به یک نوع هویت برای افراد منجر می‌شود که در نوع خودش جدید است تئوری هویت بیشتر ریشه در کارهای نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادی دارد. براساس این تئوری فرد یک تجمع سازمان‌یافته‌ای از هویت‌ها است که هریک از آن‌ها برای شکل دادن به رفتارها در تعامل اجتماعی خدمت می‌کنند. در این تئوری هویت به عنوان مجموعه معانی مشترک اجتماعی تلقی می‌شود که اشخاص به خودشان در یک نقش اجتماعی نسبت می‌دهند.

چارچوب نظری پژوهش

در بحث سرمایه فرهنگی نظریه بورديو مورد استفاده قرار گرفته است. سرمایه فرهنگی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد تعریف شده است و از نظر وی ابعاد سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه صورت تجسم‌یافته، نهادینه شده و عینیت یافته تجلی یابد. با توجه به این‌که در پژوهش حاضر متغیرهای متعددی برای تبیین موضوع تحقیق مطرح شده است، چهارچوب نظری پژوهش، ترکیبی می‌باشد. بدین معنا که بر پایه چند تئوری بنا گردیده است.

- اولین متغیر مطرح شده در پژوهش، احساس امنیت می‌باشد. در ارتباط با این متغیر از تئوری بوزان درباره احساس امنیت استفاده شده است. وی بر ارتباط نزدیک بین احساس امنیت، احساس تعلق، همکاری و همبستگی اجتماعی تأکید می‌کند. وی معتقد است از عواملی که می‌تواند بر سرمایه اجتماعی و به تبع آن مشارکت اجتماعی تأثیر گذارد به مطالعه احساس امنیت می‌پردازد از نظر بوزان امنیت جامعه‌ای به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند در برابر آن احساس تکلیف و تعهد می‌کند.

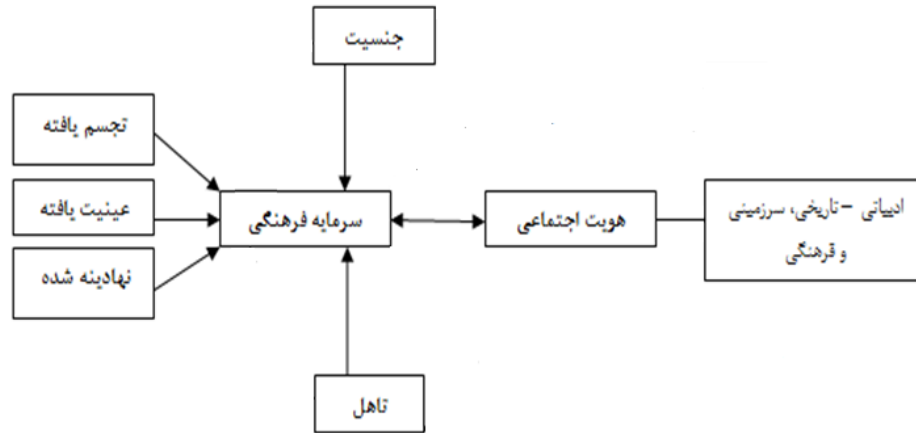
- دومین متغیر مطرح شده در پژوهش، متغیر جنسیت می‌باشد. در ارتباط با این متغیر از تئوری هالی استفاده شده است؛ که طبق نظر وی جنسیت از جمله مقوله‌هایی است که بر فعالیت در عرصه اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

- وضعیت تأهل متغیر دیگری است که در پژوهش مطرح شده است و در ارتباط با آن از تئوری بورديو استفاده گردید به بیان وی خانواده محل انباشت سرمایه اجتماعی بوده و افراد متأهل از مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردارند.

- متغیرهای سن درآمد، تحصیلات و پایگاه اجتماعی - اقتصادی نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و در ارتباط با آن از نظریه جانسکی استفاده گردیده است. از نظر جانسکی عواملی که باعث افزایش مشارکت اجتماعی می‌شود، عبارتند از: گرایش‌های مثبت اجتماعی، درجه تأثیر سیاست، عضویت در اتحادیه‌ها، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، تحصیلات، درآمد، سن.

– مدل نظری تحقیق

نمودار شماره (۱) مدل نظری سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی



– فرضیه‌های پژوهش

– فرضیه اصلی:

بین هویت اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد.

– فرضیه‌های فرعی:

– بین هویت ادبیاتی، تاریخی، سرزمینی و فرهنگی و سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، نهادینه شده و عینیت یافته) رابطه وجود دارد.

– بین زنان و مردان، از نظر سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، نهادینه شده و عینیت یافته) تفاوت وجود دارد.

– بین افراد متاهل، از نظر سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، نهادینه شده و عینیت یافته) تفاوت وجود دارد.

– روش تحقیق

جامعه و نمونه: جمعیت آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی می‌باشند که از ۱۲۹ مرکز آموزشی در قالب دانشگاه‌های دولتی، علوم پزشکی، پیام نور، آزاد اسلامی، علمی - کاربردی و غیردولتی با ۱۹۹۸۴۰ تعداد دانشجوی تشکیل می‌یافت؛ از این تعداد ۶ دانشگاه دولتی، یک دانشگاه علوم پزشکی، ۳۱ دانشگاه پیام نور، ۳۶ دانشگاه آزاد اسلامی، ۴۰ مرکز آموزش علمی - کاربردی و ۱۵ موسسه آموزش عالی غیردولتی در سطح استان پراکنده هستند (اطلس آموزش عالی استان آذربایجان شرقی؛ ۱۳۹۲).

در این تحقیق همزمان از دو شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی متناسب استفاده شده است. نخست از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، تعداد حجم نمونه دانشگاه‌های دولتی، علوم پزشکی، پیام نور، آزاد اسلامی، علمی - کاربردی و غیردولتی تعیین شدند. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۱۷ دانشگاه از زیر مجموعه دانشگاه‌های ششگانه فوق مشخص شده و در نهایت با مراجعه به دانشگاه‌های مشخص شده افراد به طور تصادفی انتخاب شدند. حجم نمونه آماری ۳۸۴ نفر است که بر اساس فرمول کوکران و به تفکیک ذیل انتخاب شدند؛

جدول ۱: جدول حجم نمونه دانشجویان

-----	دانشگاه دولتی	دانشگاه پیام نور	دانشگاه علوم پزشکی	دانشگاه علمی - کاربردی	دانشگاه آزاد اسلامی	دانشگاه غیردولتی	کل
جامعه آماری	۳۰۳۹۳	۳۸۵۰۴	۸۵۵۱	۱۸۹۷۶	۸۹۲۶۰	۱۴۱۵۴	۱۹۹۸۴۰
حجم نمونه	۵۸	۷۴	۱۸	۳۴	۱۷۳	۲۷	۳۸۴

لازم به ذکر است پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، تعداد ۳۸۰ پرسشنامه مورد پردازش و تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش: ابزار پژوهش حاضر پرسشنامه‌های محقق ساخته بود که برای سنجش سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی به کار گرفته شدند؛ در تحقیق حاضر، سرمایه فرهنگی به عنوان متغیری مورد توجه قرار می‌گیرد که با سنجش حالت‌های سه‌گانه آن سعی می‌شود به صورت یک شاخص ترکیبی در بیاید. این شاخص ترکیبی شامل تمایلات و گرایش‌ات روانی افراد نسبت به مصرف و استفاده از کالاهای فرهنگی، میزان مصرف مستقیم کالاهای فرهنگی به طور عینی و مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی افراد است. در ساخت مقیاس سنجش سرمایه فرهنگی در مجموع ۳۵ گویه مورد توجه قرار گرفته بودند که به تفکیک ابعاد سه‌گانه سرمایه فرهنگی به ترتیب ذیل هستند؛

- بعد تجسم یافته؛ علاقه به یادگیری کارهای هنری (نقاشی، گلدوزی، خطاطی و ...)، بازدید از موزه و نمایشگاه‌های هنری و فرهنگی، کتب غیردرسی، روزنامه و... تمایل به رفتن به کتابخانه عمومی، کار با کامپیوتر، شرکت در جلسات علمی، رفتن به سینما و تئاتر، موسیقی کلاسیک و سنتی، یادگیری زبان خارجی، فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی.

- بعد عینیت یافته؛ شرکت در فعالیت‌های هنری مثل (نقاشی، گلدوزی، خطاطی و ...)، خرید تابلوهای نقاشی یا هنری، مطالعه مجلات لازم و کتاب‌های غیردرسی، رفتن به کتابخانه عمومی، کار با کامپیوتر، شرکت در جلسات علمی، رفتن به سینما، گوش دادن به موسیقی کلاسیک و سنتی، صرف زمان برای یادگیری زبان خارجی، فعالیت‌های ورزشی و فعالیت فرهنگی مساجد.

- بعد نهادینه شده؛ داشتن مدرک معتبر در هنر، مدرک دانشگاهی در رشته خاص، مدرک معتبر زبان و مدرک معتبر مهارت در حرفه خود، دارا بودن مدرک کامپیوتر، مدرک در زمینه‌های ورزشی و فنی و حرفه‌ای.

برای ساخت مقیاس هویت اجتماعی نیز مباحث جنکینز مورد توجه قرار گرفت و از موارد ذیل به عنوان شاخص‌های سنجش هویت اجتماعی استفاده شد؛

- علاقه‌های ادبیاتی - تاریخی: علاقه به آثار و ادبیات ملی، گوش کردن به موسیقی اصیل ایرانی، نظر مثبت به انقلاب اسلامی، اعتقاد به برجسته بودن شخصیت‌های تاریخی مانند امیرکبیر، مولانا و حافظ، اهمیت بازدید از اماکن و آثار باستانی، آگاهی از حوادث و شخصیت‌های تاریخی و قدرت تحلیل تاریخ ایران.

- علاقه‌های سرزمینی - ملی: افتخار به به ایرانی بودن، آمادگی برای دفاع از کشور، ترجیح منافع ملی بر منافع قومی، ارجحیت زندگی در ایران، اعتقاد به پیشرفت ایران در سال‌های اخیر، افتخار به وقوع انقلاب اسلامی ایران، تلاش برای سربلندی ایران.

- علاقه‌های فرهنگی: توجه به انسجام و همبستگی ملی، احساس تعلق به فرهنگ و سبک زندگی اسلامی - ایرانی، اعتقاد به با فرهنگ و هنرمند بودن ایرانیان، اعتقاد به موجب سربلندی بودن آثار باستانی، احساس غرور از موفقیت دانش‌آموزان در المپیادهای علمی، احترام به پرچم و سرود ملی، اهتمام به برگزاری مراسم‌های سنتی. تمامی گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت تنظیم گردیده که برای همه گویه‌ها شش پاسخ (اصلا، خیلی کم، کم، تا حدودی، زیاد، خیلی زیاد) و برای ۱۳ گویه بعد نهادینه شده پاسخ‌ها به صورت بلی و خیر یا به صورت باز در نظر گرفته شده است.

برای سنجش پایایی ابزار پژوهش نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که در جریان یک مطالعه مقدماتی مورد ارزیابی قرار گرفت. در ادامه گویه‌های مربوط به متغیرهای مطرح شده در پژوهش و آلفای به دست آمده در جریان مطالعه مقدماتی آمده است. نتایج این مطالعه نشان

می‌دهد که آلفای به دست آمده برای سرمایه فرهنگی فردی (تجسم یافته، عنیت یافته و نهادینه شده) به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۸ و ۰/۷۴ و در نهایت آلفای به دست آمده برای سرمایه فرهنگی ۰/۶۹ می‌باشد ضرایب آلفای کرونباخ برای گویه‌های هویت اجتماعی حاکی از آن است که آلفای به دست آمده برای گویه‌های مربوط هویت ادبیاتی - تاریخی ۰/۸۹، هویت سرزمینی ۰/۸۶، هویت فرهنگی ۰/۹۲ و در نهایت هویت اجتماعی ۰/۹۵ است. داده‌های آزمون‌ها با استفاده از مدل همبستگی آماری پیرسون، t مستقل و تحلیل واریانس تجزیه و تحلیل شد و نتایج ذیل به دست آمد.

– یافته‌های تحقیق

۱.۴. یافته‌های توصیفی: در پژوهش حاضر از کل نمونه مورد مطالعه ۱۹۹ نفر (۵۲/۴ درصد) مرد و ۱۷۹ نفر (۴۷/۱ درصد) زن بوده‌اند. مردان نسبت به زنان دارای فراوانی بیشتری هستند. مطالعه وضعیت تاهل نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که از بین ۳۸۰ نفر به ترتیب ۷۸/۹ درصد مجرد، ۱۲/۹ درصد متأهل، ۱/۳ نامزد و ۱/۳ درصد هم مطلقه می‌باشند. همچنین ۵ نفر از پاسخگویان به این سوال جواب نداده‌اند. جدول (۲) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان نمونه بر حسب جنسیت و وضعیت تاهل را نشان می‌دهد

جدول (۲) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان نمونه بر حسب جنسیت و وضعیت تاهل

متغیر	فراوانی مطلق	درصد	درصد تجمعی
جنسیت	زن	۱۷۹	۴۷/۱
	مرد	۱۹۹	۵۲/۴
	اظهار نشده	۲	۰/۵
	کل	۳۸۰	۱۰۰
وضعیت تاهل	مجرد	۳۰۰	۷۸/۹
	متأهل	۴۹	۱۲/۹
	نامزد	۲۱	۵/۶
	مطلقه	۵	۱/۳
	اظهار نشده	۵	۱/۳
	کل	۳۸۰	۱۰۰

۲.۴. یافته‌های مربوط به مسئله پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که (۴۱/۴۵) درصد دانشجویان سرمایه فرهنگی «زیاد» و «خیلی زیاد» دارند. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد، بیشترین میانگین (۴/۵۵ از ۶) به بعد «سرمایه فرهنگی تجسم یافته» اختصاص دارد یعنی حدوداً چهل درصد دانشجویان علاقه‌مند به کسب سرمایه‌های فرهنگی می‌باشند. کم‌ترین میانگین (۲/۰۴ از ۶) به «سرمایه فرهنگی نهادینه شده» مربوط می‌شود. در مجموع؛ میانگین کل «سرمایه فرهنگی» (۳/۲۴ از ۶) می‌باشد که در حد متوسط است. جدول (۳) توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه فرهنگی را به تفکیک نشان می‌دهد؛

جدول (۳) توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی	اصلا	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	پاسخ نداده	کل	میانگین
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۴/۵۳	۵/۴۲	۱۰/۲۲	۲۳/۳۷	۲۶/۹۹	۳۱/۱۶	۰/۶۳	۱۰۰	۴/۵۵
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۷/۱۷	۸/۴۸	۱۲/۹۰	۲۸/۶۱	۲۳/۹۳	۲۰/۲۱	۱/۲۲	۱۰۰	۴/۱۳
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	۱۱/۷۳	۳۶/۰۳	۱۳/۲۲	۱۶/۰۴	۱۳/۸۷	۸/۳	۰/۹۶	۱۰۰	۲/۰۴
کل	۷/۸۱	۱۶/۷۳	۱۲/۱۱	۲۲/۶۷	۲۱/۵۹	۱۹/۸۹	۰/۹۳	۱۰۰	۳/۲۴

تحلیل گویه های آزمون هویت اجتماعی نیز نشان می دهد تنها (۶۴/۷۹) درصد افراد «هویت اجتماعی» «زیاد» و «خیلی زیادی» دارند در حالی که (۱۵/۵۸) درصد دانشجویان «هویت اجتماعی» «کم» و «خیلی کم» و «اصلا» را ترجیح داده اند. مقایسه میانگین ها برای ابعاد هویت اجتماعی نیز نشان می دهد، بیشترین میانگین (۴/۸۴ از ۶) به بعد «هویت فرهنگی» و کمترین میانگین (۴/۶۰) به بعد «هویت سرزمینی - ملی» مربوط می شود. در مجموع؛ میانگین کل «هویت اجتماعی» (۴/۷۱ از ۶) می باشد که از حد متوسط به بالا است. فراوانی مربوط به گویه های هویت اجتماعی در جدول (۴) بیان شده است:

جدول (۴) فراوانی مربوط به گویه های هویت اجتماعی

هویت اجتماعی	اصلا	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	پاسخ نداده	کل	میانگین
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
ادبیاتی _ تاریخی	۴/۷۴	۱/۸۵	۶/۰۱	۲۰/۶۴	۲۶/۰۴	۴۴/۴۴	۰/۸۸	۱۰۰	۴/۶۹
سرزمینی _ ملی	۸/۱۴	۴/۴	۸/۵۷	۲۱/۰۸	۲۲/۱۸	۳۳/۶۵	۱/۱۷	۱۰۰	۴/۶۰
فرهنگی	۴/۱۵	۳/۱	۵/۸۲	۱۸/۲۸	۲۷/۰۴	۴۱/۰۴	۰/۵۲	۱۰۰	۴/۸۴
کل	۵/۶۷	۳/۱۱	۶/۸	۲۰	۲۵/۰۸	۳۹/۷۱	۰/۸۵	۱۰۰	۴/۷۱

برای تحلیل تفاوت های موجود در میزان سرمایه فرهنگی بر اساس ویژگی های جمعیت شناختی (مانند جنسیت و تاهل) از تکنیک آماری مبتنی بر مقایسه میانگین های دو گروه مستقل (آزمون تی استیودنت) استفاده شد و نتیجه گرفته شد که میانگین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و نهادینه شده بین دانشجوی دختر و پسر معنادار نمی باشد. ولی در سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی معنادار بوده و پسران نسبت به دختران میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته بیشتری دارند. در بین پسران (۱۱۶/۹۷) بیشتر از دختران (۱۱۳/۰۸) است. جدول (۵)

محاسبات آماری در این زمینه را نشان می دهد.

جدول (۵) تفاوت‌های موجود در میزان سرمایه فرهنگی بر اساس جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون T	سطح معنی-داری
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	زن	۵۰/۱۵۷	۹/۱۷	۱/۱۵۰	۰/۲۵۱
	مرد	۵۱/۲۴۲	۹/۵۶۷		
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	زن	۴۴/۶۲۱	۱۰/۵۷	۲/۷۷	۰/۰۰۶
	مرد	۴۷/۰۱	۹		
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	زن	۱۸/۷۱	۲/۹۱	۰/۰۳۱	۰/۹۷۵
	مرد	۱۸/۷۲	۳/۲۷		
سرمایه فرهنگی	زن	۱۱۳/۰۸	۱۸/۸۸	۲/۱۳۹	۰/۰۳۳
	مرد	۱۱۶/۹۷	۱۶/۵۱		

همچنین آزمون مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل، برای تمایز میزان سرمایه فرهنگی و ابعاد آن را بر حسب وضعیت تأهل نشان داد

جدول (۶) تفاوت‌های موجود در میزان سرمایه فرهنگی بر اساس تاهل

متغیر	تاهل	میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون T	سطح معنی-داری
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	مجرد	۵۰/۸۳	۸/۹۳	۱/۵۹۲	۰/۰۵۵
	متاهل	۴۸/۱۱	۱۰/۵۶		
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	مجرد	۴۵/۶۳	۱۳/۶۳۸	۱/۷۱	۰/۰۸
	متاهل	۴۳/۲۰۰	۱۱/۶۹۶		
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	مجرد	۱۸/۷۴	۱۶/۸۰۵	۰/۶۴	۰/۵۱۹
	متاهل	۱۸/۴۳	۱۴/۷۸۱		
سرمایه فرهنگی	مجرد	۱۱۵/۳۵	۱۷/۳۴	۲/۰۶	۰/۰۴۰
	متاهل	۱۱۴/۷۰	۲۰/۲۷		

میزان سرمایه فرهنگی مجردها و متاهل‌ها با سطح اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معنی‌داری باهم ندارد و دو گروه افراد مجرد و متاهل دارای میانگین مشابهی هستند. جدول (۶) شاخص‌های آماری مقایسه میانگین سرمایه فرهنگی بر حسب وضعیت تأهل را نشان می‌دهد؛

با توجه به این که تبیین رابطه هویت اجتماعی با ابعاد سرمایه فرهنگی از اهداف پژوهش حاضر بود این رابطه مورد توجه قرار گرفت و نتیجه گرفته شد بین هویت اجتماعی با ابعاد سرمایه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۷) ضرایب همبستگی هویت اجتماعی با ابعاد سرمایه فرهنگی

ابعاد سرمایه فرهنگی		هویت اجتماعی
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۰/۳۰۱	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰	سطح معنی داری
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۰/۳۰۰	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰	سطح معنی داری
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	۰/۱۶۹	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰	سطح معنی داری
سرمایه فرهنگی	۰/۳۵۵	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۰	سطح معنی داری

این ارتباط مستقیم و مثبت (۰/۳۰۱)، (۰/۳۰۰)، (۰/۱۶۶) و (۰/۳۵۵) است؛ بدین معنی که هر چه سطح هویت اجتماعی افراد بالاتر می‌رود، میزان سرمایه فرهنگی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر این که بین هویت اجتماعی با ابعاد سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد مورد تأیید قرار گرفت. همچنین شدت رابطه، بین هویت اجتماعی با ابعاد سرمایه فرهنگی، در سطح متوسط است. و ابعاد دیگر آن رابطه معناداری وجود ندارد. جدول (۷) ضرایب همبستگی هویت اجتماعی با ابعاد سرمایه فرهنگی را نشان می‌دهد؛

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر نشان داد سرمایه فرهنگی دانشجویان استان آذربایجان شرقی که ترکیبی از تمایلات و گرایشات روانی افراد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی، میزان مصرف مستقیم کالاهای فرهنگی به‌طور عینی و مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی افراد است در سطح متوسط به بالا قرار دارد. با توجه به نقش موثر سرمایه فرهنگی در موفقیت تحصیلی که در پژوهش آفشانبرگ و ماس (۱۹۹۷) و شارع پور (۱۳۸۷) نیز به آن اشاره شده است زمینه موفقیت تحصیلی در سطح متوسط به بالا می باشد. علاوه بر این چنان که قادری (۱۳۹۳) مدعی است فرد دارای سرمایه اجتماعی در عرصه فرهنگ نوعی گزینش دلخواه انجام می دهد سطح متوسط سرمایه فرهنگی دانشجویان بیانگر این است که دانشجویان ما نه تنها در برابر پدیده‌های فرهنگی منفعل نیستند بلکه در سطح متوسط دارای منزلتی هستند که می‌توانند روایت خود را از دنیای اجتماعی بر دیگران تحمیل کنند.

با توجه به سطح متوسط سرمایه فرهنگی انتظار می رفت میزان هویت اجتماعی نیز از همین سطح برخوردار باشد که میانگین هویت اجتماعی کل نیز متوسط به بالا نشان داده شد. مقایسه رابطه ابعاد سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی نشان داد که بین هویت اجتماعی و سرمایه فرهنگی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. در تبیین احتمالی این رابطه می‌توان گفت سرمایه فرهنگی موجب می‌شود افراد به‌گونه مناسب‌تری خود و محیط اجتماعی را شناخته و به آن پایبند باشند همچنین آگاهی از آئین‌ها، باورها و دانش‌ها را افزایش داده و موجبات شناسایی عوامل پیوند جامعه را فراهم می‌آورد که در مجموع نحوه شکل‌گیری هویت جمعی را بیان می‌کنند، همچنین میزان بهره‌مندی از این سرمایه نشان دهنده توسعه و پویایی جامعه دانشجویی است.

مقایسه میزان میانگین ابعاد سرمایه فرهنگی نشان داد که میانگین «سرمایه فرهنگی تجسم یافته» و میانگین «سرمایه فرهنگی عینیت یافته» به طور معنادار از میانگین «سرمایه فرهنگی نهادینه شده» بیشتر می‌باشد. با توجه به کیفیت سه نوع سرمایه فرهنگی این تحلیل قابل توجه است که سرمایه فرهنگی تجسم یافته که به مرور زمان در اثر تربیت و پرورش در وجود افراد درونی شده و تبدیل به جزء جدا نشدنی وجود شخص می شود بالاترین سطح را دارد، با توجه به تأثیر تجارب گذشته و مرور زمان در شکل‌گیری این نوع سرمایه فرهنگی به نظر می‌رسد برنامه‌ریزان فرهنگی از فرصت سال‌های کودکی و نوجوانی دانشجویان بهره کافی برده‌اند. سرمایه فرهنگی عینیت یافته که در ظاهر قالب اشیاء مادی را دارد و میزان مشارکت اجتماعی افراد را بیان می‌کند از سطح بالایی برخوردار است؛ رابطه نزدیک این دو بعد سرمایه فرهنگی نشان می‌دهد که برای دانشجویان استان آذربایجان شرقی این فرصت وجود دارد که از پدیده‌های فرهنگی که علاقه و گرایش باطنی به آن دارند استفاده کنند و در این زمینه موفق بوده‌اند. ولی سرمایه فرهنگی نهادینه شده که در قالب کسب مدارک تحصیلی است دارای سطح پایین می‌باشد که در این زمینه باید مطالعه شود آیا فرصت استفاده از این بعد در استان فراهم نبوده است یا دانشجویان به آن علاقمند نیستند.

مقایسه میانگین‌های ابعاد هویت اجتماعی هم نشان داد بیشترین میانگین به هویت فرهنگی و کم‌ترین میانگین به هویت سرزمینی - ملی مربوط می‌شود، به نظر می رسد بیشتر بودن گرایش‌های فرهنگی از گرایش‌های سیاسی تا حدودی طبیعی باشد ولی شاخص‌های هویتی دانشجویان در همه ابعاد آن امیدوار کننده هستند.

در مورد رابطه ابعاد سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی قابل ذکر است که سرمایه فرهنگی تجسم یافته رابطه قوی‌تری با هویت اجتماعی دارد. این نتیجه گویای این واقعیت است که دانشجویان دارای علاقه‌مندی به یادگیری هنرها، بازدید از موزه و نمایشگاه‌های هنری و فرهنگی، مطالعه کتابهای غیر درسی و روزنامه و... و همچنین دانشجویانی که تمایل به انجام فعالیت‌های ورزشی و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی دارند بواسطه تقویت هویت جمعی و احساس تعلق اجتماعی، ارزیابی مطلوب‌تری نسبت به هویت اجتماعی دارند، بر این اساس برنامه ریزی فرهنگی موازی با علاقه‌مندی دانشجویان و ایجاد فرصت برای مشارکت دانشجویان موجب افزایش همزمان سرمایه فرهنگی و هویت جمعی می شود. درحالی‌که بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی (دارا بودن مدرک‌های معتبر و ...)، نقش کمتری در ایجاد هویت جمعی داشته است؛ یعنی اگر چه این بعد سرمایه فرهنگی دارای میانگین بسیار کمتری بود اما ارتباطش با هویت جمعی نیز چندان قابل توجه نیست. همچنین میانگین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و نهادینه شده بین دانشجویان دختر و پسر معنادار نمی‌باشد، ولی سرمایه فرهنگی عینیت یافته در پسران (۱۱۶/۹۷) بیشتر از

دختران (۱۱۳/۰۸) است که این نتیجه با تحقیق شارع‌پور و خوشفر نیز همسویی دارد؛ بر این اساس به نظر می‌رسد میزان مشارکت دانشجویان دختر در مسائل فرهنگی پایین‌تر است و مدیران فرهنگی دانشگاه باید برای جلب مشارکت بیشتر دانشجویان دختر تلاش مضاعفی داشته باشند. همچنین میزان سرمایه فرهنگی در بین مجردها و متأهل‌ها با سطح اطمینان ۹۵ درصد تفاوت معنی‌داری باهم نداشته و دو گروه افراد مجرد و متأهل دارای میانگین مشابهی هستند. این یافته با تحلیل بوردیو ناسازگار است که می‌گوید خانواده محل انباشت سرمایه اجتماعی بوده و افراد متأهل از سرمایه فرهنگی بالاتری متعدد برخوردار هستند. تناقض نتایج این پژوهش با دیگر یافته‌ها در مورد سرمایه اجتماعی دانشجویان متأهل اقتضا می‌کند مطالعه‌ای با تمرکز بر دانشجویان متأهل انجام گرفته و به خصوص کارکرد خانواده در دانشجویان متأهل و خانواده‌های غیر دانشجویی مورد توجه قرار گیرد.

نتایج به دست آمده علاوه بر اثبات صحت فرضیه این پژوهش نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی رابطه متقابلی با هویت اجتماعی دارد و این دو به‌طور مضاعف یکدیگر را تقویت می‌نمایند. لذا توجه به نقش سرمایه فرهنگی در تعیین میزان هویت اجتماعی دانشجویان به‌عنوان عاملی مهم برای توسعه پایدار جامعه قلمداد می‌شود و مدیران فرهنگی با اولویت دادن به برنامه‌های فرهنگی مطابق علایق و خواسته‌های دانشجویان که در راستای سرمایه فرهنگی تجسم یافته می‌باشد و جلب مشارکت دانشجویان که موجب ارتقای سرمایه فرهنگی عینیت یافته می‌باشد می‌توانند علاوه بر افزایش سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی دانشجویان، مصونیت آنها را در برابر تهاجم فرهنگی افزایش داده و زمینه‌های اختلال در هویت اجتماعی را از میان بردارند. البته پیشنهاد می‌شود که در این زمینه پژوهش‌های بیشتری در محیط دانشگاه با رویکردهای متعدد انجام گیرد تا به نتایج متقن‌تری دست یابیم.

– منابع

- ارشدخردگردی، محمودرضا، (۱۳۸۱)، «عوامل اجتماعی موثر بر بحران هویت در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز»، پایان- نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: حسین بنی فاطمه، دانشگاه تبریز.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۴)، «شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه»، گردآوری کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- بی‌نا (۱۳۹۲)، «اطلس آموزش عالی استان آذربایجان شرقی»، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تبریز: دبیرخانه هیات نظارت و ارزیابی استان.
- تراسبی، دیوید (۱۳۸۲)، «اقتصاد و فرهنگ»، ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر نی.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، «هویت اجتماعی»، ترجمه تورج یار احمدی، تهران: نشرپژوهش شیرازه.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹) «زمینه فرهنگ‌شناسی» تهران: نشر عطار.
- شارع‌پور، محمود و خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۱۴۷-۱۳۳.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران انتشارات سمت
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، «جامعه‌شناسی مصرف موسیقی»، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- فخرایی، سیروس و کریمیان، انور (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با هویت‌پذیری (مطالعه موردی در بین دانش‌آموزان پیش- دانشگاهی پسرانه شهرستان بوکان)».
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹)، «همسازی و تعارض در هویت و قومیت»، انتشارات گل آذین، چاپ اول.
- قادری، طاهره و رضایی، سپیده (۱۳۹۳)، «رابطه سرمایه فرهنگی و گرایش جوانان به مد»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۶، صص ۳۵-۱.
- موسی‌زاده علی (۱۳۸۸) «سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی» استاد راهنما: حسن چاوشیان، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان.
- نوغانی، محسن (۱۳۸۱)، «تاثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش دانشگاهی در دست‌یابی به آموزش عالی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۱، صص ۷۱-۱۰۱.
- Aschaffenburg, Karen– Maas, Ineke (1997): Cultural and educational careers: the dynamics of social reproduction. American Sociological Review, 62: 573–587.
- Bourdieu, P., & Passeron, J. C. (1977). Reproduction in education, society, and culture. Beverly Hills, CA: Sage.**
- Kalmijn, Matthijs and Gerbert Kraaykamp (1996): Race, cultural capital and schooling. Sociology of Education, 69: 22–34.
- Lareau, Annette, Weininger, Elliot B., 2003. Cultural capital in education research: critical assessment. Theory and Society 32, 567–606.
- Robson Karen (2003) Teenage Time Use as Investment in cultural capital, working papers of the Institute for Social and Economic.